



مسائلی در طراحی برنامه درسی

ویراستاران:

اکرم فراوانی، میترا زراعت‌پیشه، مریم آذرنوش، حمیدرضا کارگزاری

مترجم:

دکترافسانه غریبی

(پژوهشگر بنیاد سعدی)



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

عنوان و نام پدیدآور	مسایلی در طراحی برنامه درسی / ویراستاران اکرم فراوانی... [و دیگران]؛ مترجم افسانه غریبی.
مشخصات نشر	تهران : نویسه پارس، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۳۳۲ صفحه
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۶۴۹-۳۹-۱
وضعیت فهرست نویسی	فیپا
یادداشت	عنوان اصلی: Issues in syllabus design, 2018.
موضوع	برنامه‌ریزی درسی Lesson planning
موضوع	زبان -- راهنمای آموزشی Language and languages -- Study and teaching
موضوع	زبان -- رئوس مطالب Language and languages -- Outlines, syllabi, etc
شناسه افزوده	فراوانی، اکرم، ۱۳۵۸ - ویراستار
شناسه افزوده	غریبی، افسانه، ۱۳۶۰ - مترجم
رده بندی کنگره	LC۲۸۰۶/۱۵
رده بندی دیویی	۳۷۰
شماره کتابشناسی ملی	۶۱۰۹۸۶۲



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Issues in Syllabus Design

©2018 Sence Publishers

مترجم: افسانه غریبی

ویراسته: اکرم فراوانی، میترا زراعت‌پیشه، مریم آذرنوش، حمیدرضا کارگزاری

آتلیه نشر نویسه پارسی: STUDIO FIVE

ناشر: نشر نویسه پارسی

دفتر انتشارات: ۰۲۱-۷۷۰۵۳۲۴۶

نماینده فروش: کتابفروشی توس: ۶۶۴۶۱۰۰۷

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۴۵۵۴۵۵۴۱۴۲

وبگاه: www.neveeseh.com

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۹

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۴۹-۳۹-۱

چاپ و صحافی: روز

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به «نشر نویسه پارسی» است.
تکثیر و انتشار این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، بدون مجوز قبلی و کتبی
ممنوع و مورد پیگیری قانونی قرار خواهد گرفت.

زیان‌شناسی کاربردی	شماره مسلسل انتشارات
۱۳	۱۰۵



فهرست مطالب

۷.....	پیشگفتار نویسندگان.....
۱۱.....	پیشگفتار مترجم.....
۲۳.....	مفهوم طراحی برنامه درسی و برنامه آموزشی: نگاهی به پنج برنامه درسی اصلی.....
۶۵.....	بنیان‌های فلسفی طراحی برنامه آموزشی زبان.....
۸۹.....	تمایز میان برنامه‌های محصول محور و فرایندی در برنامه‌ریزی آموزشی آموزش زبان دوم.....
۱۱۷.....	برنامه درسی دستوری.....
۱۳۵.....	برنامه درسی موقعیتی.....
۱۵۱.....	مسائلی در طراحی برنامه درسی: برنامه‌های مهارت محور.....
۱۷۳.....	گامی در جهت به حداکثر رساندن تأثیر برنامه درسی واژگانی در آموزش زبان دوم.....
۱۸۹.....	برنامه‌های درسی ژانر محور.....
۲۰۵.....	رویکردهای کارکردی به طراحی درسی: از سطح آستانه تا چارچوب مرجع اروپا.....
۲۲۵.....	مسائلی در طراحی برنامه درسی.....
۲۵۳.....	طراحی برنامه درسی تکلیف محور.....
۲۷۱.....	برنامه‌های درسی مذاکره‌ای.....
۲۹۵.....	برنامه درسی گفتمانی.....

تنوع گسترده برنامه‌های درسی و فراوانی موضوعات مرتبط با آن در زمینه تدریس زبان دوم و طراحی دوره، این حوزه را تبدیل به یکی از بحث‌برانگیزترین حوزه‌های آموزش زبان دوم کرده است. اجرای برنامه‌های درسی برای استفاده در برنامه‌های آموزش زبان با اهداف خاص در سطح بین‌الملل، می‌تواند شامل مسائل مرتبط با ساختار درس‌ها، روش انتقال محتوا و قالب، ارائه محتوا و ارزیابی آن باشد. انواع مختلف برنامه درسی با وجود تفاوت در محتوا و مبنای نظری، یک دغدغه مشترک دارند: مدرسان باید با انواع مختلف برنامه درسی آشنا باشند و بتوانند آنها را مورد تحلیل انتقادی قرار دهند. بنابراین، این کتاب انواع عمده برنامه‌های درسی در طراحی دوره‌های زبان را بررسی می‌کند.

فصل‌های این کتاب به‌منظور ارائه یک معرفی کلی از رویکردهای قدیمی و جدید در طراحی برنامه درسی به دانشجویان مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد گردآوری شده است. در فصل ۱، مورفی مفهوم طراحی برنامه درسی و پنج نوع برنامه درسی اصلی را به‌طور مختصر از منظر تاریخی و اهمیت آموزشی معرفی می‌کند: برنامه درسی دستوری، برنامه درسی نقشی-مفهومی، برنامه درسی واژگانی، برنامه درسی تکلیف محور و برنامه درسی محتوامحور. در فصل دوم، مفتون و صفدری نگاهی جامع به تاریخ فلسفه‌های آموزشی دارند که به ترتیب زمانی بررسی می‌شوند و عبارتند از: ایده‌آل‌گرایی، واقع‌گرایی، ثبات‌گرایی، ذات‌باوری، وجودگرایی، کاربردگرایی، پیشروگرایی، تجربه‌گرایی، ساخت‌گرایی، اصلاحی و پسامدرنیسم. آنها با طرح این ایده‌های فلسفی، تلاش کردند به این سؤال پاسخ دهند که کدام ایده را باید مبنای مناسب برنامه درسی آموزش زبان در نظر گرفت؟ آنها ایده کوماروادیلو در مورد کاربردگرایی اصولی را مطرح کردند که معتقد است تعلیم و تربیت پسامدرن، بر سه بُعد ویژه بودن، عملی بودن و ممکن بودن استوار است. بنابراین، مفتون و صفدری به جای یک دیدگاه جهانی، یک دیدگاه منطقه‌ای را به متخصصان و نظریه‌پردازان توصیه می‌کنند. دیدگاه منطقه‌ای به جای تمرکز بر رویکردی متناسب با همه (تک‌سایز)، پیشنهاد می‌کند که

رویکردها و دیدگاه‌های فلسفی جهانی را به گونه‌ای برش دهیم که با وضعیت موقعیت‌های خاص، فراگیران و مدرسان منطبق شود.

وت، در فصل ۳، بر تقسیم‌بندی دوتایی مشهور در انواع برنامه‌های درسی به دو طبقهٔ محصول‌محور و فرآیند محور متمرکز می‌شود. وی پس از توضیح در مورد تمایز میان این برنامه‌های درسی، هر دو نوع را مورد انتقاد قرار می‌دهد. وت معتقد است که بیشتر برنامه‌ها بر محصول نهایی آموزش و یادگیری تمرکز می‌کنند. هرچند، برنامه‌های درسی مبتنی بر فرایند را می‌توان با کل برنامهٔ درسی درهم آمیخت و از این طریق به به معلمان و زبان آموزان کمک کرد بر پرورش مهارت‌های زبانی از طریق فرایندهای مرحله‌به‌مرحله متمرکز شوند.

فراوانی و زراعت پیشه، در فصل ۴، به معرفی برنامهٔ درسی دستوری و انتقادات عمدهٔ وارد بر آن می‌پردازند. بیرجندی و نائینی در فصل ۵، برنامهٔ درسی موقعیتی را جایگزین برنامهٔ درسی دستوری، معرفی می‌کنند. آنها پس از بحث در مورد مبانی فلسفی، روانشناختی و زبانی این نوع برنامهٔ درسی، شایستگی آن را در مقایسه با برنامهٔ دستوری نشان می‌دهند. برنامهٔ درسی موقعیتی بر آموزش ساختارهای کاربردی در چهار مهارت اصلی از طریق معرفی قواعد دستوری در بافت موقعیت متمرکز است.

جعفرپور ممقانی و ذوالقدری در فصل بعد، به برنامهٔ درسی مبتنی بر مهارت می‌پردازند که زبان را به واحدهای مختلف گوش‌دادن، صحبت‌کردن، خواندن و نوشتن و خردمهارت‌های این مهارت‌های اصلی تقسیم می‌کند. آنها با تعریف ویژگی‌های برنامهٔ درسی مبتنی بر مهارت‌ها شروع و در ادامه زیربناهای نظری، معایب و مزایا و کاربردهای آن را توصیف می‌کنند. آنها فصل را با تشریح برنامهٔ درسی مبتنی بر مهارت با چند مثال به پایان می‌برند.

برنامهٔ درسی واژگان نوع بعدی بود که توسط دات باثو در فصل ۷ مورد توجه قرار گرفت. وی خاطرنشان می‌کند که برنامهٔ درسی واژگان، واژگان را مهم‌ترین مؤلفهٔ طراحی برنامهٔ درسی می‌بیند و از ضرورت انتخاب بهینهٔ کلماتی که باید تدریس شوند و باید آنها را یادگرفت صحبت می‌کند. چنین هدفی را می‌توان با

تمرکز بر طیف وسیعی از عوامل از جمله فراوانی کاربرد، دامنه شکل ظاهری [واژه] در انواع متن یا ژانر، در دسترس بودن، پوشش معنایی، قابلیت یادگیری و قابلیت آموزش به دست آورد.

در فصل بعد، گودیت وایت برنامه‌های درسی مبتنی بر ژانر، شامل ژانرهایی که گروه خاصی از دانش‌آموزان باید در زندگی خود خارج از کلاس تولید یا درک کنند را معرفی می‌کند. او به این مسأله می‌پردازد که مدرس چگونه می‌تواند یک برنامه درسی ژانر محور برای کلاس خود طراحی کند.

دیوید لیتل در فصل بعد، درباره برنامه‌های نقشی / کارکردی بحث کرده است. وی درباره ظهور و تکوین تاریخی این برنامه‌ها که با ایجاد سطح آستانه توسط شورای اروپا آغاز شده است، توضیح می‌دهد.

فصل ۱۰ که کار مشترک فیتزسیمون-دولان و استولر است، بر برنامه‌های درسی مبتنی بر محتوا متمرکز شده است. آنها بیان کردند که پیوستار مدل‌های محتوا محور (CBI) عبارتند از مدل‌های عنوانی، موضوعی، پیوسته، پیوندی، تقویتی، غوطه‌وری و نیمه‌غوطه‌وری هستند. سپس، آنها نکته‌هایی را برای معلمان مطرح می‌کنند که می‌خواهند جنبه‌های آموزش مبتنی بر محتوا را در روند تدریس خود قرار دهند.

در فصل بعد، آن‌ما، برنامه درسی تکلیف محور را معرفی کرد. وی پیوستاری از برداشت‌های متفاوت از تکلیف را نشان می‌دهد و سپس چارچوبی را برای سازماندهی تکلیف‌ها پیشنهاد می‌کند. آذرنوش و کارگزاری در فصل ۱۲ به برنامه درسی مذاکره ای و ریشه‌های آن، انواع، چارچوب‌ها، مزایا و معایب آن می‌پردازند. سرانجام، آخرین فصل آخر کتاب تألیف مایکل هندفورد است که در مورد برنامه درسی گفتمانی در فصل ۱۳ بحث می‌کند. او مفید بودن رویکرد گفتمانی برای زبان‌آموزان را مورد تردید قرار می‌دهد.

آموزش زبان، پیمودن مسیری است به شدت نیازمند برنامه‌ریزی. برنامه‌ریزی، فعالیتی نیست که تنها مسئولان بالادستی یک نهاد آموزشی انجام دهند و به مدرسان دوره‌ها تجویز کنند، هرچند این امر بسیار رایج است و اغلب اتفاق می‌افتد. معلم و زبان‌آموز هم بخشی از برنامه‌ریزی هستند و مشارکان آن محسوب می‌شوند. مدرس خوب باید با مفاهیم پایه درباره طراحی یک برنامه درسی برای کلاس خود آشنا باشد، و اگر بتواند مسئولان مافوق خود را هم در این امر یاری دهد، به این معناست که در حرفه خود ارتقاء پیدا کرده است. خوش به سعادت زبان‌آموزانی که مدرسانشان مسلط بر مهارت طراحی برنامه درسی باشند. لازم نیست مدرسان، طراحانی خبره باشند؛ بلکه کفایت طراحی آشنا و نسبت به جریان کلاس خود آگاه باشند و بتوانند برنامه درسی خود را ارزیابی و در صورت نیاز متناسب کنند.

مهم نیست با چه هدفی به سراغ این کتاب آمده‌اید: دانشجوی رشته آفا هستید، علاقمند به این حوزه هستید اما در رشته دیگری تحصیل می‌کنید، قصد دارید پژوهشی در این حوزه انجام دهید یا مدرس زبان فارسی هستید و قرار است برای دوره‌ای خودتان برنامه‌ریزی کنید، خودتان به‌تهایی، بدون آن‌که مدیری برنامه‌ای را به دستتان دهد یا کتابی را برایتان انتخاب کند. به هر حال، موقعیت برنامه‌ریزی فراهم شده است، حالا وقت آن است که ذهنتان فعال شود و سوال پرسید. البته اگر سؤالتان این است که بهترین برنامه برای دوره من چیست، کتاب، به سوال شما پاسخ نمی‌دهد! پاسخی ندارد که بدهد. هیچ برنامه ازپیش‌نوشته شده‌ای وجود ندارد که تک‌سایز، جهانی و قابل استفاده برای تمام دوره‌ها باشد. برنامه‌ها مجموع تصمیماتی هستند که شما می‌گیرید، و به همین دلیل هم به تعداد شرایط متفاوت، بی‌نهایت برنامه خلق می‌شود. در هر کدام از جایگاه‌های بالا که هستید، دانشجوی آفا، علاقمند، پژوهشگر یا مدرس، فرقی نمی‌کند؛ باید ابتدا با مفاهیم پایه برنامه‌ریزی و طراحی برنامه درسی آشنا باشید تا بتوانید مطالب در

جریان پردازش‌های مداوم و تمرین، به نوعی مهارت در طراحی برنامه‌درسی دست یابید؛ مهارتی که از شما مدرسی توانمند می‌سازد.

بیابید پیاده‌روی کنیم!

طراحی برنامه‌ای برای یک دورهٔ زبان‌آموزی، مانند این است که دوستی به شما پیشنهاد بدهد در یک پیاده‌روی شرکت کنید و شما بخواهید در این مورد تصمیم بگیرید. اولین کاری که می‌کنید چیست؟ و بعد از آن چه؟ هر حرکت، تصمیم، کلام، یا حتی اندیشه‌ای که به ذهنتان می‌آید هم کار محسوب می‌شود.

«من شیک‌ترین لباس مجلسی‌ام را می‌پوشم و با صندل، سراسیمه از خانه بیرون می‌روم. بی‌آن‌که بدانم به کدام سمت کوچه باید بروم. فقط می‌دوم و بعد از ده دقیقه به خانه برمی‌گردم. به دوستم زنگ می‌زنم و می‌گویم: «برنامه انجام شد، من پیاده‌روی کردم».

بی‌شک پاسختان این نیست، هست؟! ذهن شما قادر است در زمان بسیار کمی پرسش‌های بسیار زیادی بپرسد؛ از خودش، از شما و از دوست شما. و براساس پاسخی که به این پرسش‌ها می‌دهید برنامهٔ پیاده‌روی آغاز می‌شود، یا نمی‌شود؛ پرسش‌هایی مانند آنچه من می‌پرسم و در ادامه می‌آید. توصیه می‌کنم پرسش‌ها را سرسری نخوانید، چون در تمام طول کتاب با آنها کار دارید، همین جا با تک‌تک آنها تکلیفتان را روشن کنید.

۱. چرا باید در این برنامه شرکت کنم؟ در نهایت چه فایده‌ای برای من دارد؟
۲. نقطهٔ مقصد کجاست؟
۳. در مسیر دقیقاً چه کاری انجام می‌دهیم؟
۴. آیا در طول مسیر توقف داریم؟ آیا توقف هدفمند است؟
۵. مسیر از پیش تعیین شده است؟ آیا می‌توانیم در مسیر تغییری ایجاد کنیم؟

پاسخ برخی از این پرسش‌ها در بایگانی اطلاعات ذهن شما ثبت است. بخشی از اطلاعات را دوست شما یا منبع دیگری باید به شما بدهد. در نهایت هم شما باید

در مورد برخی از آنها تصمیم بگیرید. زمان این پیاده‌روی مهم نیست، از چند دقیقه تا چند روز، شما بدون برنامه هیچ قدمی بر نمی‌دارید. اولین گام شما همین است که می‌پرسید تا هدف غایی، هدف نهایی، نقطه مقصد، کارهای عینی طول مسیر و مانند آن را مشخص کنید و تصمیم بگیرید. شاید بخواهید پیش از آغاز پیاده‌روی، برای آن برنامه‌ریزی کنید، شاید هم تصمیم بگیرید یک‌بار به این پیاده‌روی بروید و با تجربه‌هایی که کسب می‌کنید، پس از پایان، پیاده‌روی‌های بعدی را برنامه‌ریزی کنید. شاید هم در حین انجام پیاده‌روی تصمیماتی بگیرید. اگر نظر افراد شرکت‌کننده در تعیین مسیر یا تغییر آن تأثیرگذار است، شاید بخواهید مسیری را مشخص کنید.

در طراحی برنامه درسی هم همین چیزها مهم هستند. بگذارید با اصطلاحاتی که آنها را *ایتالیک* و *برجسته* کرده‌ام بیشتر آشنا شویم تا از کتاب بهره بیشتری ببریم. برای این منظور پرسش‌های مثال پیاده‌روی را دقیق‌تر بررسی کنیم. سه پرسش اول مرتبط هستند با سه نوع هدف: هدف غایی^۱، هدف/نقطه نهایی^۲، هدف عینی/عینیت^۳. در برنامه درسی مهم است انواع هدف‌ها را بشناسیم و تمایز آنها را بدانیم.

۱. چرا باید در این برنامه شرکت کنم؟ هدف غایی

این نوع هدف، هدفی است مربوط به رویکرد فلسفی به تعلیم و تربیت و در مفهومی والاتر، هدف از آفرینش انسان و علت رشد و تعالی او. این هدف را نظریه‌های فلسفی تحلیل می‌کنند و دیدگاه فلسفی زیربنای هر برنامه‌ای است که تعیین می‌کند در نهایت آموزش یا هر فعالیتی به چه هدفی صورت می‌گیرد. به نظر شما هدف غایی آموزش زبان چیست؟ افراد جامعه چرا زبانی غیر از زبان مادری خود

¹ aim

² gola

³ objectives

را می‌آموزند یا چرا باید بیاموزند؟ با آموختن یک زبان دیگر، افراد چه مهارت‌هایی کسب می‌کنند که بتواند به رشد و تعالی آن جامعه کمک کند؟ اینها پرسش‌هایی هستند که فلسفه باید به آنها پاسخ بدهد. مثلاً «هدف غایی تعلیم و تربیت، آموزش آن چیزها و ارزش‌هایی است که منجر به زندگی خوب می‌شوند.» (همین کتاب، ص ۲۲) فصل دوم این کتاب اختصاص دارد به رویکردهای فلسفی حوزه تعلیم و تربیت که از هدف غایی آموزش زبان صحبت می‌کنند.

اگر بخواهید با انتظاری که از یک کتاب درسی دارید این فصل را بخوانید آنقدر جذابیت برایتان نخواهد داشت که تا پایان آن را بخوانید و تمرکزتان را حفظ کنید. به هر حال مسأله دیدگاه‌های نظری و تحلیلی است که اگر اهل آن نباشید، تبدیل کردن آن به رهنمودهای عملی برای یک کلاس واقعی دشوار خواهد بود. به همین دلیل، توصیه می‌کنم پیش از خواندن فصل مربوط به رویکردهای فلسفه تعلیم و تربیت^۱، ابتدا در حالت مراقبه قرار بگیرید و خیلی جدی از خودتان پرسید چه چیزی به زبان‌آموزان باید درس بدهیم؟ و چرا؟ اگر قرار است دانش دستوری درس بدهیم، چرا؟ اگر فرهنگ را هم باید در برنامه بگنجانیم، چرا؟ جدولی در دو ستون از چه چیزها و چراهای مربوط به آنها تهیه کنید. سپس فصل را با این هدف بخوانید که داده‌های دولت‌تان را نقد و ارزیابی کنید.

۲. نقطه مقصد کجاست؟: هدف نهایی

در کنار هدف غایی، که تعریف آن چندان ساده نیست، هر فعالیتی یک هدف نهایی یا نقطه مقصد هم دارد. هدف نهایی، جایی است که انتظار داریم برنامه به یک نتیجه ملموس برسد. این هدف، برخلاف هدف غایی قابل تعریف کردن است. یک برنامه پیاده‌روی نیم‌ساعته می‌تواند فقط رسیدن به نقطه ب باشد. برای تعریف آن نیازی به یک دیدگاه فلسفی نیست. بلکه لازم است دقیقاً مشخص کنیم نقطه مقصد کجاست. این که افراد باید پس از گذراندن ۱۲ سال تحصیلی، تحصیلات عمومی خود را تمام کنند و مدرک دیپلم بگیرند یک هدف نهایی است که قرارداد

¹ Educational philosophy

نظام‌های آموزشی است، اما این که چرا تحصیلات تا این مقطع در برخی جوامع اجباری است و افراد با سطح تحصیلات در مقطع دیپلم در چه جایگاهی از رشد و تعالی انسانی هستند و به رشد و تعالی یک جامعه چه کمکی می‌کنند مربوط به هدف غایی و قابل بررسی در حوزه فلسفه تعلیم و تربیت است.

لازم است جدول برنامه شما هم یک انتها داشته باشد. می‌توانید این انتها را با معیارهای مختلفی ببینید: یک معیار زمانی (مثلاً یک دوره ۴۰ ساعته) یا یک معیار دانشی (مثلاً پس از خواندن جلد اول یک کتاب) یا یک معیار مهارتی (هنگامی که بتواند پنج دقیقه درباره موضوعی صحبت کند) یا یک معیار ارزیابی (پس از گذراندن آزمون الف). هنگامی که در کتاب از نقطه نهایی/مقصد صحبت می‌شود منظور چنین انتهایی برای یک دوره است.

۳. در مسیر دقیقاً چه کاری انجام می‌دهیم؟: هدف عینی

اهداف عینی، یا عینیت‌ها در کنار دو هدف دیگر، رکن اساسی و شرط لازم هر برنامه درسی است. عینی بودن یعنی آنقدر قابل تعریف و مشخص است که می‌توانید دقیقاً همان چیزی که می‌خواهید را جلوی چشمتان و روی جدول بیاورید. یک برنامه بدون این عینیت‌ها هرگز ماهیت یک برنامه را به خود نخواهد گرفت. برای مثال، برنامه شرکت در یک همایش یک‌روزه را در نظر بگیرید. اگر روی پوستر همایش صرفاً ذکر شود، همایشی برای آموزش مهارت‌های زندگی، می‌توان برای آن ثبت نام کرد؟ یک برنامه مشخص با اهداف عینی لازم است تا افراد بتوانند تصمیم بگیرند و در همایش ثبت نام کنند. اهداف عینی این همایش عبارتند از: محورهای همایش، اتفاقاتی که در آن می‌افتد، اعم از سخنرانی‌ها، پخش تیزرها یا نشست‌های تخصصی و استراحت و پذیرایی و مانند آن، به همراه یک زمان‌بندی دقیق. منظور از زمان‌بندی، تعیین روز، تاریخ، ساعت و بازه زمانی‌ای است که به هر کدام از اتفاقاتی که گفتیم اختصاص پیدا می‌کند. به مجموع اینها می‌گویند یک برنامه.

اگر برای یک دوره‌ی دانش‌افزایی برنامه‌ریزی می‌کنید که قرار است افرادی در آن شرکت کنند که از کشورهای دیگر به ایران می‌آیند و تا حدودی زبان فارسی را در کشور خود آموخته‌اند، هدف غایی دوره‌ی شما ممکن است این باشد که این افراد بتوانند پس از گذراندن این دوره و هنگامی که به کشور خود باز می‌گردند حامل پیام صلح و دوستی از ایران به کشورهای دیگر باشند و بتوانند افراد دیگری را هم مشتاق به یادگیری زبان فارسی و آشنایی با فرهنگ و تمدن ایرانی کنند و از این طریق پل ارتباطی وسیعی میان فرهنگ‌ها ایجاد شود. هدف نهایی دوره اما گذراندن مثلاً ۱۲۰ ساعت آموزشی در یک بازه‌ی زمانی دوماهه و گذراندن آزمون پایان دوره است. اما این که در این ۱۲۰ ساعت دقیقاً چه چیزی به زبان‌آموزان تدریس می‌کنید و در نهایت از چه چیزی آزمون می‌گیرید هدف عینی شماست. زبان‌آموز هم حق دارد بداند قرار است چه چیزی در دانش زبان فارسی او افزایش پیدا کند: دانش دستوری، مهارت خواندن یا نوشتن، ایران‌شناسی و مانند آن. و حتی عینی‌تر از آن: کدام نکته‌های دستوری، کدام مهارت‌های خواندن و کدام اطلاعات درباره‌ی ایران.

در کلاس‌های مربوط به رویکردهای طراحی برنامه‌ی درسی، تهیه و تدوین مواد آموزشی^۱، دوره‌های تربیت مدرس مهارتی و حتی در کلاس‌های آزمون‌سازی وقتی از مسأله‌ی عینیت‌ها و حیاتی بودن آنها صحبت می‌کنم، معمولاً دانشجویها می‌پرسند این اهداف عینی چه هستند. این اصطلاح را نزدیک به صدمبار در کتابی که پیش رویتان دارید می‌خوانید، پس احتمالاً برای شما هم این سوال پیش می‌آید. اگر مدرس زبان فارسی هستید یا با حوزه‌ای مربوط به آن سروکار دارید ممکن است پاسخی شبیه به این بدهید:

«من باید نکته‌های دستوری مانند ضمیرهای فاعلی، ضمیرهای اشاره، زمان فعل‌ها و ... واژه‌های پربسامد و ضروری و کارکردهای زبان و مهارت ارتباط را به آنها یاد دهم. همچنین چهار مهارت خواندن، شنیدن، صحبت کردن و نوشتن را هم به آنها می‌آموزم.»

¹ Material Development

این برنامه برای زبان‌آموزان بسیار مفید و کارآمد است، اما باز هم پاسخ این پرسش نیست که عینیت چیست. آنچه در این پاسخ می‌بینیم بیشتر هدف نهایی را مشخص می‌کند. به عبارتی دیگر، زبان‌آموز پس از گذراندن این دوره عناصر زبان و چهار مهارت اصلی را آموخته است. بنابراین این برنامه از نوع برنامه‌هایی است که پیش از آغاز دوره، تعیین می‌کنند که آنچه در نهایت باید تولید شود، و درواقع نتیجه و محصول نهایی چه باید باشد، و مبنای برنامه درسی دقیقاً همان چیزهایی است که در نهایت باید تولید شود. اگر قرار است زبان‌آموز در پایان دوره دانش دستوری داشته باشد، پس در طول دوره باید نکته‌های دستوری را بیاموزد. اگر قرار است مهارت نوشتن را کسب کند، پس در طول دوره باید مهارت‌های نوشتن را به او بیاموزیم. به این نوع برنامه‌ها، برنامه‌های نتیجه‌محور می‌گویند.

در مقابل برنامه‌های نتیجه‌محور، برنامه‌هایی قرار دارند که پیش از دوره، محصول و نتیجه نهایی را مدنظر ندارند، بلکه محور طراحی برنامه این است که جریان کلاس چطور پیش برود؛ معلم و زبان‌آموز چه نقشی را به عهده بگیرند؛ چه فعالیت‌ها و تکلیف‌هایی در کلاس به اجرا دربیاید تا زبان‌آموزان را مسلط بر زبان کند و چیزهایی مانند این. به این برنامه‌ها هم *فرایند‌محور* می‌گویند. مثل این است که کارآفرینی تصمیم بگیرد چه محصولی تولید کند و متمرکز شود بر قطعات لازم برای آن محصول؛ یا این که به یک سری فعالیت فکر کند که افرادی در آن وارد شوند و ورزیده گردند، در طی این فرایند محصولی تولید می‌شود. بعید می‌دانم از خودتان نپرسید مگر می‌شود به محصول نهایی توجه نکنیم و فقط فرایند تولید را در نظر بگیریم. هر محصولی تولید شود خوب است؟! در فصل سوم، کمی بیشتر درباره تفاوت این دو نوع برنامه بخوانید و سپس با مطالعه دقیق ده فصل دیگر خودتان به این سوال پاسخ بدهید و در ضمن با عینیت‌ها که مربوط می‌شوند به آن محصول اصلی، فهرست دقیق قطعات آن و البته فرایند تولید آشنا شوید.

۴. آیا در طول مسیر توقف داریم؟ آیا توقف هدفمند است؟: چیدمان

از میان ۵ پرسش اصلی در مثال پیاده روی پرسش ۴ مرتبط با مسأله ترتیب/چیدمان است. چیدمان در برنامه رکن دوم است. به عبارتی دیگر، بدون آن که ترتیب اهداف عینی را مشخص کنید، برنامه ای نخواهید داشت. جدول شما می تواند حاوی عینیت هایی باشد درباره عناصر زبان که قطعات اصلی تشکیل دهنده آن هستند؛ یعنی تلفظ، واژه و دستور که باید کاملاً عینی شوند، مثلاً حوزه های واژگانی وسایل نقلیه، آب و هوا، جهت های اصلی و مانند آن. اما کدام حوزه در اولویت است؟ این حوزه ها در چه ترتیبی قرار می گیرند؟ معیارتان برای این ترتیب چیست؟ و پرسشی مهم تر، این ترتیب تا کجا ادامه پیدا می کند؟ چند ساعت، چند جلسه، چند حوزه واژگانی؟ آیا در طول مسیری که زبان آموز این فهرست درجه بندی شده را می آموزد، توقف، یا گذار از سطحی به سطحی دیگر نیاز نیست؟ معیار این توقف، یا گذار چیست؟

پاسخ به چراها به عهده فلسفه است و پاسخ به چه ها به عهده زبان شناسی. اما کدام حوزه باید چیدمان را تعیین کند یا درواقع به این پرسش پاسخ دهد «با چه ترتیبی؟»؛ روان شناسی.

شما کدام یک از دو رویکرد زیر را انتخاب می کنید؟

الف: زبان دارای قطعاتی است که اگر زبان آموزان این قطعات را به ترتیب یاد بگیرند، آنها را در کنار هم/روی هم قرار بدهند، می توانند کل زبان را تولید کنند.
ب: زبان یک کل است و زبان آموزان باید کل را بیاموزند تا کل را تولید کنند.
دو نگرش الف و ب در مورد فرایند یادگیری، دو نمونه از رویکردهای روان شناسی یادگیری هستند که هرکدام جهت گیری های خاص خود را دارند و در نهایت بر چیدمان اهداف عینی یک برنامه تأثیر می گذارند. شما طرفدار کدام رویکرد هستید؟ الف) ترکیبی^۱، ب) تحلیلی^۲. مزیت کتابی که در دست دارید

^۱ Synthetic

^۲ Analytic

نسبت به کتاب‌های مشابهی که در حوزه طراحی برنامه درسی وجود دارد این است که برای هر برنامه، بنیان‌های فلسفی، زبان‌شناختی و روان‌شناختی آن بررسی می‌شود و هدف این نوع ساختار، پاسخ به همین سه پرسش است: چرا؟ چه چیز؟ به چه ترتیبی؟

۵. مسیر ازپیش‌تعیین‌شده است؟ آیا می‌توانیم در مسیر تغییری ایجاد کنیم؟: رأی مشارکان

و در نهایت پرسش ۵ مربوط است به میزان تأثیر رأی مشارکان یک برنامه درسی: برنامه‌ریز، مدرس، زبان‌آموز.

معمولاً گرایش بیشتر برنامه‌های درسی این است که رأی^۱ و نظر زبان‌آموز چندان تأثیرگذار نباشد. اگر رأی کل زبان‌آموزان تأثیرگذار باشد، آیا کل گروه به سمت یک نقطه نهایی و از یک مسیر حرکت خواهد کرد؟ زبان‌آموزان در یک دوره زبان‌آموزی ممکن است مشارکان با مذاکره به یک برنامه نهایی برسند یا مسیری ازپیش‌تعیین‌شده به کل گروه تجویز شود. فصل دوازدهم این کتاب شما را با چم و خم یک برنامه مذاکره‌ای آشنا می‌کند. توصیه می‌کنم پیش از خواندن این فصل، جایی در کنار نسخه پیش‌نویس برنامه خود یادداشت کنید که موافق مذاکره زبان‌آموزان با مدرس برای تعیین برنامه درسی یک دوره هستید یا فکر می‌کنید زبان‌آموزان مهارت چنین کاری را ندارند. سپس فصل را بخوانید و ببینید که آیا آشنایی با این برنامه و فوت‌وفن‌های درست‌اجراکردن آن توانسته است تغییری در نگرش شما ایجاد کند.

جمع‌بندی

چیزهای زیادی در دانش طراحی برنامه درسی هست که با دانستن آنها، یک گام در مسیر ارتقاء خود برداشته‌اید، چه به عنوان مدرس، چه در جایگاه پژوهشگر یا

¹ voice

هر علاقمندی به حوزه طراحی برنامه‌ی درسی. کتابی که در دست دارید مجموعه سیزده مقاله است درباره مفاهیم و انواع برنامه‌های درسی که در دوره‌های آموزش زبان به اجرا در می‌آید. سه فصل اول اختصاص دارد به مقدمات و مسائل نظری و رویکردهای فلسفی و طبقه‌بندی‌های کلان که از انواع برنامه‌های درسی می‌شود. و در ده فصل، ده نوع برنامه درسی معرفی می‌شود. این فصل‌ها، اطلاعات مفیدی به شما می‌دهند تا این گام را بردارید و پس از آن، هر کتاب تخصصی دیگری در این حوزه برایتان لذت‌بخش و هموار خواهد بود، مثل جاده‌ای شوسه در دل گردنه‌های پریچ‌وخم کوه‌های سبز و پردرخت البرز.

قدردانی

کتاب «مسائلی در طراحی برنامه‌ی درسی» را ابتدا در آذرماه ۱۳۹۷ یافتیم. هنگامی که به دنبال منبعی مفید و مناسب و درعین حال به‌روز برای تدریس واحد رویکردهای طراحی برنامه‌ی درسی در دانشگاه علامه طباطبایی بودم، از میان منابع بسیار، ناگهان به این کتاب خوب برخوردیم. و متوجه شدم که در زمینه طراحی برنامه‌ی درسی در حوزه آموزش زبان دوم، هیچ منبعی به زبان فارسی وجود ندارد! و خداوند بزرگ را سپاس و سپاس و هزاران سپاس به‌خاطر این فرصتی که برایم فراهم شد، و اکنون دست‌کم، یک منبع فارسی در دست است و امید است که این آغاز راه باشد.

و باز هم خداوند رحمان و رحیم را سپاس به‌خاطر استاد بزرگوarm جناب آقای دکتر صحرایی که تدریس این واحد را به بنده پیشنهاد دادند، به‌خاطر اینترنت که این منبع را سر راهم قرار داد! و به‌خاطر آقای امیراحمدی، مدیر نشر نویسه پارسی، که نسخه الکترونیک آن را خریداری کردند و تلاش‌های دیگر ایشان برای به‌نتیجه‌رسیدن این کتاب.

من در طی ترم و هم‌زمان با تدریس این کتاب، آن را ترجمه کردم. تمام تلاشم را کردم که هر مفهومی که خودش را از روی شیطنت در لایه‌های زبان می‌پیچد، از

پناهگاهش بیرون بکشم و به زبان ساده شرح دهم. پس، از دانشجویانم بی‌نهایت متشکرم که در طول ترم مرا تحمل کردند.

و بسیار مایل بودم سپاس ویژه داشته باشم از کسی که قرار بود زحمت روان‌خوانی متن را به عهده بگیرند. اما متأسفانه عدم دقت ایشان بنده را مجبور کرد متن را از ابتدا مرور کنم و ناهمواری‌های آن را برطرف نمایم و همین امر کار چاپ کتاب را به تعویق انداخت. با وجود این، از ایشان هم ممنونم. و سپاس ویژه را اختصاص می‌دهم به آقای سید اکبر جلیلی که در انتخاب بعضی از معادل‌ها یاری‌ام کردند، متن پیشگفتار را خواندند و هرج‌ومرج آن را سامان دادند.

افسانه غریبی

۱۰ اسفند ۱۳۹۸

مفهوم طراحی برنامه درسی و برنامه آموزشی
نگاهی به پنج برنامه درسی اصلی
| رابرت. اس. مورفی |

در این فصل، درباره طراحی برنامه درسی برای EFL صحبت خواهد شد. این فصل پنج برنامه درسی اصلی را از منظر تاریخچه آنها پوشش می‌دهد و درباره ویژگی‌های آموزشی آنها بحث می‌کند. در بخش‌های ۲، ۳، ۴ و ۵ به ترتیب اهداف، کارکرد و دلایل این برنامه‌های درسی مورد بررسی قرار می‌گیرند، درحالی‌که بخش ۶ نگاهی انتقادی نسبت به این پنج برنامه درسی دارد: برنامه درسی دستوری، برنامه درسی نقشی-مفهومی^۱، برنامه درسی واژگانی، برنامه درسی تکلیف-محور و برنامه درسی محتوا-محور.

هدف از برنامه درسی

هدف از برنامه درسی برای یک کلاس درس آموزش زبان دوم چیست؟ راینسون (۲۰۱۱، ص ۲۹۴) برنامه درسی را تلفیق تصمیم‌گیری در مورد واحدها و ترتیب عملکرد (چیدمان واحدها) آنها تعریف می‌کند. در پایین‌ترین سطح، برنامه درسی یادآوری یا فهرستی است از چیزهایی که برای مدرسانی که زمان اندکی برای برنامه‌ریزی برای کلاسشان دارند، باید انجام شوند. هرچند، یک برنامه درسی خوب کاری بس بیش از این انجام می‌دهد. یک برنامه درسی خوب تدوین شده می‌تواند در باورهای آموزشی معلم (یا طراح دوره) دریچه جدیدی بگشاید.

در برخی موارد، کتابی که برای دوره انتخاب می‌شود، خودبه‌خود تبدیل به برنامه درسی می‌شود، اما آیا این برنامه درسی از پیش ساخته شده بهترین برنامه‌ای است که می‌توانید اجرا کنید؟ قطعاً خیر. کتاب‌های آموزشی آموزش زبان خارجی چه کمکی می‌توانند به فراگیری بهتر زبان بکنند؟ موارد زیر نسخه اصلاح شده از فهرست تاملینسون (۲۰۰۸: ۶) است.

- تجربه غنی‌ای از ژانرها و انواع متن‌ها را در اختیار قرار می‌دهند.
- تجربه خوبی از طریق زیبایی در هنر و طراحی را به دست می‌دهند.

¹ Functional-notional syllabus

² Genre

- از رسانه‌ها برای یادگیری عناصر زبانی متنوع‌تر و بیشتر بهره می‌گیرند.
 - به زبان‌آموزان کمک می‌کند یادگیرندگان مستقل باشند.
 - برای شنیدن و خواندن گسترده مواد آموزشی اضافه دارند.
 - به زبان‌آموزان کمک می‌کنند یادگیری زبان را شخصی و بومی کنند.
- این فهرست را جایی جلوی چشم‌تان قرار دهید تا بتوانید موارد آن را حین خواندن این فصل بازآزمایی کنید.

بگذارید به سراغ مبحث برنامه درسی در برابر برنامه آموزشی برویم. آیا تفاوتی میان این دو وجود دارد؟ ریچاردز (۲۰۰۱: ۲) از نظر گستره این دو در محدوده بریتانیا تمایزی قائل می‌شود - برنامه آموزشی یک تصویر بزرگ‌تر است. برنامه آموزشی به عنوان یک تصویر بزرگ‌تر سه گام دارد: (۱) طراحی دوره، (۲) مواد آموزشی / روش‌های آموزش و (۳) ارزیابی دوره (نونان، ۱۹۸۸ صص ۵-۴) از نظر تاریخی، از آنجایی که آموزش با مرکزیت دستور بسیار مشهور و پرطرفدار است، برنامه درسی ترتیب نکته‌های دستوری‌ای است که در طی یک دوره آموزشی آموخته می‌شوند. هرچند در ایالات متحده، برنامه آموزشی و برنامه درسی اغلب یک معنا دارند. این فصل این دو برنامه را جدا در نظر می‌گیرد.

بنابراین، هدف از برنامه درسی چیست؟ هاجینسون و واترز (۱۹۸۷، صص ۸۳-۸۴) می‌گویند:

- برای آنکه زبان به واحدهای کوچک سامان‌پذیر تقطیع شود و مبنای عملی کتاب‌های درسی و دستگاه‌های آموزشی فراهم شود.
- تا برای مدرسان و زبان‌آموزان یک پشتوانه اخلاقی باشد.
- تا به زبان‌آموزان قوت قلب بدهد و تضمین کند که دوره خوب طراحی شده است: نقش صوری آن.
- تا هم به زبان‌آموز و هم به معلم ایده بدهد که جریان دوره در چه مرحله‌ای است.
- تا یک بیان غیرصریح از دیدگاه‌های طراحان دوره باشد.

- زبان و زبان‌آموزی را در نظر بگیرد - و نه تنها به زبان‌آموزان بگوید که قرار است چه چیزی بیاموزند بلکه بگوید چرا باید آن چیز را بیاموزند.
- تا انتخاب مواد آموزشی، متن و تجربه‌ها را هدایت کند.
- تا اطمینان حاصل شود که یک عنصر در راستای نظام آموزشی یا مدرسه است.

• تا با فراهم کردن مبنایی برای سنجش^۱ بسنجد که زبان‌آموز چقدر در طول دوره موفق بوده است.

با این حساب، برنامه درسی (و / یا مواد آموزشی) که به کار می‌روند باید به چه چیزی دست پیدا کنند؟ تاملینسون (۲۰۱۱) مسأله تأثیر را مطرح می‌کند. هرچند «تأثیر» در برزیل همان «تأثیر» در استرالیا نیست. بنابراین تأثیر مفید چگونه به دست می‌آید؟ تاملینسون فهرستی در اختیار قرار می‌دهد که می‌تواند معیار سنجشی باشد برای ارزیابی طراحی برنامه درسی و مواد آموزشی (۲۰۱۱، ص ۸)

- نو بودن
- تنوع
- ارائه جذاب
- محتوای جذاب
- چالش قابل دستیابی

آیا کتاب درسی به واقع یک برنامه درسی است؟

کتاب درسی (یا نقشه محتوایی آن) نباید به جای برنامه درسی مورد استفاده قرار گیرد و در بیشتر موارد بهتر است که اینطور نباشد. چرا ممکن است چنین استفاده‌ای ایجاد مشکل کند؟ من به‌شخصه با چنین واقعیت ناجوری مواجه شده‌ام: ناشران کتاب‌های آموزشی تاجر هستند - گاهی این ناشران بیشتر از آن که نگران مسأله آموزش باشند، به فروش کتاب توجه می‌کنند. تاملینسون (۲۰۰۳، ۲۰۰۸) این مسأله را تأیید می‌کند. موانع دیگری هم بر سر راه نویسندگان هست:

¹ Assessment